

## فضای شهری و روابط اجتماعی - فرهنگی

دکتر نوین تولایی\*

### چکیده

انسانها همواره با ایجاد فضاهایی در شهر، نیاز ذاتی خود به برقراری روابط اجتماعی را برآورده کرده‌اند؛ ساختارهایی که از نظر اجتماعی فعال بوده و امکان ارتباط چهره به چهره انسانی در درون جامعه شهری و در کالبدی سازمان یافته را فراهم آورده‌اند. در دنیای امروز فضاهای عمومی برای عبور و مرور وسایط نقلیه بر فضاهایی برای ارتباطات اجتماعی - فرهنگی چیره شده است. جایگزینی فضاهایی برای آمد و شد به از دست رفتن بسیاری از فضاهای شهری سنتی با عملکرد مهم اجتماعی - فرهنگی منجر شده است. هدف این مطالعه، علاوه بر آشنایی با آرا و اندیشه‌های مربوط به موضوع، آگاهی از نحوه سازماندهی فضاهای شهری موفق است که نیاز به روابط اجتماعی - فرهنگی مردم در محدوده خاص شهری را پاسخ گفته و عملکرد مناسبی داشته‌اند. در نهایت، کوشش شده است تا با مطالعه خصوصیات کالبدی و اهمیت اجتماعی نمونه‌هایی از این فضاها، جایگاه آنها در حیات اجتماعی - فرهنگی شهرها روشن گردد و اصول و ضوابط فضاهای شهری مطلوب برای حضور انسانها استخراج شوند؛ نمونه‌هایی که با ایجاد فضایی مناسب برای ایجاد روابط انسانی، سعی در برگرداندن حیات اجتماعی به فضاهای شهری داشته‌اند. در مطالعه موردی، شهر یزد به عنوان یک شهر بزرگ از میان دیگر شهرهای ایران، به دلیل وجود اطلاعات نسبتاً جامع و مدون درباره فضاهای شهری

\* دکتری شهرسازی، استادیار پژوهشکده علوم محیطی دانشگاه شهید بهشتی

آن، انتخاب گردید. پس از مصاحبه با ۱۲۰ نفر در چهار محله بافت قدیمی این شهر، ویژگیها، کارکردها و اهمیت اجتماعی - فرهنگی میدانهای سنتی شهر استخراج و پیشنهادهایی برای بهسازی آنها عرضه شده است.

## کلیدواژه

فضای شهری، قلمرو عمومی، فضاهای سنتی، روابط اجتماعی، همبستگی اجتماعی.

## ۱- مقدمه

فضای شهری به مثابه ساختاری کالبدی برای تعاملات اجتماعی است که دسترسی به آن برای اعضای جامعه شهری امکان پذیر است. در شهرهای معاصر، ساخت فضاهای عمومی برای آمد و شد و وسایط نقلیه، نسبت به ایجاد فضاهایی برای تماسها و ارتباطات اجتماعی - فرهنگی در اولویت قرار گرفته و حتی در پاره‌ای از موارد موجب از دست رفتن فضاهای شهری سنتی با ارزشهای زیبایی‌شناختی و کارکردهای مهم اجتماعی - فرهنگی شده است (Trancik, 1986). طراحان فضاهای جدید با ارزشمند ندانستن احداث فضاهای عمومی برای ملاقاتها و مشارکت مردم در آنها، تراکم و شدت روابط اجتماعی در شهرها را تحت تأثیر قرار داده‌اند. واکنش به این مسئله، دانش‌پژوهان حیات شهری کوششهایی را برای مطالعه جنبه انسانی فضاها در شهرها آغاز کرده‌اند. یافته‌های آنها بر ضرورت وجود این فضاها برای دیدار و اجتماع مردم، همبستگی اجتماعی، حفظ فرهنگ و انتقال آن به نسلهای آینده و بر اهمیت شناخت ارزش اجتماعی فضای شهری در حیات شهری تأکید داشته‌اند. هدف از این مطالعه، آشنایی با ویژگیها و نحوه سازماندهی فضاهای شهری موفق است که پاسخگوی روابط اجتماعی - فرهنگی مردم در محدوده‌های خاص شهری بوده و عملکرد مناسبی داشته است. برای این منظور، پس از طرح برخی نظریه‌ها در این زمینه، ویژگیهای نمونه‌هایی از فضاهای شهری جهان به‌طور عام و فضاهای شهری یزد به‌طور خاص برای مطالعه موردی در ایران بیان می‌شوند. در نهایت، کوشش شده تا با مطالعه خصوصیات کالبدی و اهمیت اجتماعی این فضاها جایگاه آنها در حیات اجتماعی - فرهنگی شهر روشن شود.

برای تجزیه و تحلیل عناصر نظریه‌ها در آثار دانش‌پژوهان شهری، از روش تحلیل محتوا و در بخش پژوهش تجربی در شهر یزد، از روش مشاهده و مصاحبه با مردم از طریق پرسشنامه به منظور شناخت ویژگیها و اهمیت نمونه‌های فضایی به‌طور نظام‌یافته و هدف‌دار استفاده شده است.

یافته‌های تحقیق، نقش فضاهای شهری را در برقراری روابط اجتماعی چهره به چهره روشن ساخته، ویژگیهای ساختارهای فضایی با ارزش برای حفظ هویت و استمرار فرهنگی را توصیف کرده و به اصولی برای تقویت معنای اجتماعی و فرهنگی فضاها دست یافته است. همچنین نقش قابلیت دسترسی به فضاها، آگاهی از عملکرد فضا، آشنایی و تجانس با استفاده‌کنندگان از فضا را برای مشارکت بیشتر مردم در فضاها مشخص کرده است.

#### ۱-۱- تعریف فضای شهری

پیش از ارائه تعریفی کلی از فضای شهری، به برخی از مفاهیمی اشاره خواهد شد که به درک آن کمک می‌کند. دو عنصر اساسی در طراحی شهرها، فضا و توده ساختمانی است. فضا به اندازه توده ساختمانی نیروی سازمان‌دهنده با اهمیتی در شهر محسوب می‌شود و نباید آن را محدودهای به‌جا مانده از ساخت و ساز بناها دانست (Bacon. 1974. 15; Alexander. 1987. 63). بخشی از اعمال و فعالیتهای انسانی در فضا اتفاق می‌افتد و بنا به گفته آنتونی گیدنز «فضا مجموعه‌ای کالبدی برای تعاملات اجتماعی است» (Giddens. 1990. 243).

فضا را براساس میزان «مهار تعاملات اجتماعی» به سه دسته تقسیم می‌کنند:

۱. فضای عمومی: فضایی است که «دسترسی» به آن برای همه اعضای جامعه امکان‌پذیر است. اما فرد در انجام اعمالش آزادی کامل ندارد و هنجارها و قوانین جامعه را در نظر می‌گیرد.

۲. فضای نیمه عمومی یا نیمه خصوصی: فضایی است که برای استفاده عموم آزاد است، اما به دلیل محدودیت در هدف و کاربری آن، استفاده‌کنندگان خاص دارد.

۳. فضای خصوصی: فضایی است که به وسیله اشخاص اشغال می‌شود (Rapoport. 1977. 289).

فضای عمومی در شهرها اجازه حرکت و فعالیتهای عمومی را به فرد می‌دهد، آنها را از محدوده فضای خصوصی به‌درمی‌آورد، با هم مرتبط می‌سازد و «زمینه مشارکت مردم» را فراهم

می‌کند. هرچه تسلط فضای خصوصی بر فضاهای عمومی در شهرها بیشتر می‌شود، روابط اجتماعی بیشتر نادیده گرفته شده و انسان شهری به زندگی خصوصی بیشتر مشغول می‌شود (Banz, 1970. 28).

فضای عمومی را می‌توان به دو نوع «نرم فضا» و «سخت فضا» تقسیم کرد. نرم فضا، فضایی طبیعی در داخل یا خارج از شهر است که باغها، پارکها و فضاهای سبز را شامل می‌شود. این فضا می‌تواند بدون شکل و لبه مشخص باشد و لزوماً به حصار و محدوده معین نیاز ندارد؛ همچنین از شلوغی شکل شهر می‌کاهد، در واکنش به فشردگی محیط ساخته می‌شود و عملکردی تفریحی دارد. سخت فضا، فضایی است که از اطراف به بدنه‌های معماری شده محصور می‌شود. این فضا قابل اندازه‌گیری و قابل ادراک است و فعالیت‌های انسانی در آن جاری هستند (Trancik, 1986. 61). فضای محصور، انسان را به یک «فضای واحد» پیوند می‌دهد و در عین حال توجه او را به فضا به صورت یک «کل» جلب می‌کند. اگر یک فضا را محصور کنیم تنها محدوده‌ای فضایی را مشخص کرده‌ایم، اما می‌توان با سازماندهی شکل هندسی، اجزا و عناصر مشخص و فعالیت‌های انسانی، در فضا نظم و وحدت ایجاد کرد و به آن زیبایی و حیات بخشید (Smith, 1977. 197).

با این تفاسیر اکنون می‌توان تعریف قابل درکی از فضای شهری به دست داد. فضای شهری ساختاری سازمان‌یافته، آراسته و واجد نظم به صورت کالبدی برای فعالیت‌های انسانی است (توسلی، ۱۳۷۱: ۱۸) که اساساً از سه طریق شناخته می‌شود: کیفیت محصور بودن فضا، کیفیت زیبایی‌شناختی عناصر تشکیل‌دهنده و فعالیت خاص شهری که در آن واقع می‌شود. دو نوع اصلی فضای شهری، «میدان» و «خیابان» هستند (Spreiregen, 1965. 55; Krier, 1979. 15).

## ۲-۱- تعریف روابط فرهنگی

مجموعه ارزشها و هنجارها، «فرهنگ» خوانده می‌شود که در قالب اعتقادات، هنر، اخلاق، قانون، آداب و رسوم و سمبل‌های مشترک ظاهر می‌گردد (Rapoport, 1977. 15). مردم به الگوهای فرهنگی نیاز دارند، زیرا نخست، اگر بخواهند زندگی اجتماعی داشته باشند ناچار از داشتن الگو هستند، دوم آنکه، از این طریق می‌خواهند انسجام خود را با جامعه حفظ

کنند. «آداب و رسوم» از این دسته‌اند که برای انسجام اجتماعی بسیار اهمیت داشته، عناصر ارزشی مشترک را تقویت می‌کنند و از سازوکارهای دفاعی اصلی جامعه در مقابل گرایش به ناهنجاری به‌شمار می‌روند. «نمادهای مشترک» نیز به‌منزله عناصر غیرلفظی فرهنگ عبارتند از اشیا یا چیزهایی که به چیزی بیش از معنای آشکار و مستقیم خود دلالت کنند؛ فایده فرهنگی آنها نیز در همین است، در غیر این صورت با نشانه‌ها تفاوتی ندارند. فرهنگ در «زمان» و «فضا» بسیار متغیر است، اما حفظ هویت فرهنگی و بقای فرهنگها در حفظ دست‌ساخته‌های سنتی و آداب و رسوم نهفته است (Lengerman. 1974. 82).

### ۱-۳- تعریف روابط اجتماعی

انسانها «نیاز ذاتی» به برقراری روابط اجتماعی دارند و از این رو موقعیتهایی فراهم می‌آورند تا بتوانند در آن رابطه اجتماعی را تجربه کنند. وقتی نظام کنش افراد مختلف نسبت به یکدیگر جهت داده شود، «روابط اجتماعی» خوانده می‌شود. روابط اجتماعی باید «معنادار» باشد و با «آگاهی» صورت گیرد. رابطه اجتماعی می‌تواند «موقت» یا «بادوام» باشد؛ چنانچه رابطه متقابل به‌صورت مداوم و منظم انجام شود قابل توصیف، شناسایی و به نسبت ثابت است (Cosser. 1977. 76).

نظریه‌های گوناگونی درباره رابطه اجتماعی و فضا مطرح شده‌اند. برخی فضا را تعیین‌کننده روابط اجتماعی موجود می‌دانند که به جبریون معروفند. بعضی فضا را بعد مادی جامعه فرض می‌کنند و روابط اجتماعی را در شکل دادن به آن مؤثر می‌دانند. بعضی نیز معتقدند فضا امکانات و محدودیتهایی ایجاد می‌کند که مردم براساس معیارهای فرهنگی خود آن را «انتخاب» می‌کنند. فضای شهری منعکس‌کننده روابط اجتماعی - فرهنگی در شهر است و در عین حال بر مبنای این روابط «هویت» می‌یابد. فضای شهری به‌مثابه یک محیط ساخته شده می‌تواند روابط اجتماعی را تسهیل کند یا مانع شود و بر آن تأثیر گذارد و به نوبه خود از آن متأثر گردد (Rapoport. 1977. 2). نظام فرهنگی و روابط اجتماعی به‌هم پیوسته‌اند. از یک‌سو، برقراری و تداوم روابط اجتماعی موجب تقویت ارزشها و هنجارها یا فرهنگ می‌شود و از سوی دیگر، فرهنگ شرایط و نحوه شکل‌گیری روابط اجتماعی را تعیین می‌کند. روابط اجتماعی و فرهنگی در فضا اتفاق

می‌افتد. نوع روابطی که در فضا برقرار می‌شود و شدت آن به فضا معنا می‌دهد. بنابراین، فضا مجموعه‌ای از روابط فرهنگی و اجتماعی میان گروه خاص و مکان خاص (نقطه‌ای از فضا) را دربرمی‌گیرد. این روابط مدت زمان خاصی دارد؛ بنابراین زندگی اجتماعی در فضا و زمان واقع شده و به وسیله آنها مشروط می‌شود (Giddens, 1990, 243).

## ۲- مروری بر پیشینه نظری

آگاهی از اندیشه‌های صاحب‌نظران درباره فضاهای شهری اجتماعی - فرهنگی، نقاط اشتراک یا افتراق هر یک را روشن می‌سازد و در تعیین چهارچوب نظری قابل استفاده در عمل کمک مؤثری است.

لویس مامفورد<sup>(۱)</sup> با مطالعه تاریخی در جست‌وجوی یافتن ساختار شهری است که موجب «توسعه انسانی» می‌شود. وی به تبعیت از استادش پاتریک گدس می‌گوید:

«شهر نهادی خاص برای انتقال میراث فرهنگی و اجتماعی است».

از وظایف برنامه‌ریزان شهری، بهزیستی انسانها و ارتقای کیفیت فرهنگی آنها از طریق ایجاد فضای شهری مناسب برای «همزیستی»، «همکاری» و «مشارکت» مردم است. به نظر وی فضای شهری باید از حیث طراحی و عملکرد بیانگر اهداف انسان ارگانیک باشد (Mumford, 1979, 3-9). ارگانیک به معنای یکپارچگی و پیوستگی بسیار زیاد در جامعه و سازگاری کامل افرادی است که در درون آن با یکدیگر زندگی می‌کنند. در این جامعه همه فعالیتها به سمت «اهداف عمومی» جهت داده می‌شود و در تقابل با معنای ساده «شخصی» است (Mumford, 1963, 422).

او مسئله شهرهای معاصر را عدم توانایی برنامه‌ریزان شهری در ایجاد فضاهایی می‌داند که مردم بتوانند در آن زندگی کنند، گردهم آیند و به فعالیتهای اجتماعی خاص مشغول شوند، بدون آنکه سلامت نفس خود را از دست بدهند. به نظر مامفورد شهر نیازمند ساختارهای فضایی است که به‌طور ارگانیک با حیات اجتماعی قرین شود: یعنی «قابل انعطاف»، «قابل انطباق» و «قابل احیا» در شرایط اجتماعی هر دوره باشد. شهر باید نهادی برای دوست داشتن باشد و بهترین اقتصاد برای شهر مراقبت از انسان و فرهنگ اوست. او بر همبستگی اجتماعی، تحرک فکر و

(1) Lewis Mumford

اندیشه و اهمیت زیبایی‌شناختی در فضاهای شهری تأکید دارد و معتقد است طراحی شهری با بازسازی تمدن انسانی قرین است. از این رو، طراحی فضاها باید امکانات همزیستی و مشارکت را برای زندگی جمعی پدید آورد (Mumford, 1970).

راب کریر<sup>(۱)</sup> فضاهای شهری را جزئی از ساختار شهر تلقی می‌کند که محصور، خوانا و واجد ویژگیهای زیبایی‌شناختی هستند. به نظر او مفهوم سنتی این فضاها در شهرسازی مدرن از میان رفته و فضاهای شهری گذشته اهمیت و عملکرد اصلی خود را از دست داده‌اند. بازارها، پیاده‌روهای تفریحی، میدانهایی که در آن مراسم دسته جمعی انجام می‌شده و میدانهای مذهبی (محوطه‌های جلوی کلیسا) از محتوای نمادین خود تهی شده‌اند (Krier, 1979, 81).

ایجاد نظامی از فضاهای شهری به هم پیوسته اما متنوع، حفظ مقیاس انسانی در ارتفاع ساختمانها و زنجیره فضایی، ایجاد شکلی معنادار و تعریف شده برای فضاها با عملکردهای اجتماعی و فرهنگی که امکان ملاقاتها و ارتباطات اجتماعی را فراهم آورد، از اهداف اصول طراحی وی به‌شمار می‌آید. به نظر او بی‌توجهی به طراحی فضاهای شهری، بیانگر بحران فرهنگی در جامعه است (Krier, 1979, 181).

کریر دوام میدانهای شهری را در عملکردهای معنادار و مکان‌یابی مناسب آن در کل ساختار شهر جست‌وجو می‌کند. او می‌گوید:

«بهتر است از آنچه قدیمی، اما تأیید شده است تقلید کرد تا آنکه چیزی تازه

ساخت که باعث زحمت مردم شود».

فضاهای شهری سنتی با مقیاس کوچک در طی هزاران سال حضور خود را به‌مثابه مکان ارتباطات ثابت کرده‌اند؛ فضاهایی با مقیاس انسانی که به آسانی با پای پیاده قابل پیمودن هستند (Krier, 1979, 170). وی می‌افزاید:

«درست است که میان سرمایه‌گذاری برای ماشین و انسان تضاد وجود دارد اما

اگر جامعه بخواهد برای زندگی انسانها در شهر ارزشی قائل شود، باید این قیمت را

برای بهبود فضاهای شهری بپردازد» (Krier, 1979, 21).

کوبین لینچ<sup>(۱)</sup> به جای اهداف اقتصادی، به مناسبات انسانی و اجتماعی در طراحی شهرها توجه داشته است. از نظر او طراحی عبارت است از خلق آرایشها و شکلهای ممکن که باید برای اهداف انسانی (اجتماعی، اقتصادی، زیبایی شناسی و فنی) مفید باشد. فضای شهری وسیله‌ای است برای برقراری ارتباطات اجتماعی که افراد از طریق آن، اطلاعات، ارزشها، احساسات و یا رفتار مورد نظر را به یکدیگر انتقال می‌دهند. ظاهر محیطهای شهری و عوامل متحرک در آن - خاصه مردم و فعالیتهای آن - استفاده‌کنندگان از فضا را تحت تأثیر قرار می‌دهد. لینچ معتقد است که فضا باید دارای هویت قابل ادراک، قابل شناسایی، به یادماندنی، واضح و نمایان باشد. این ویژگیها در ایجاد حس مکان مؤثر است و می‌تواند میان مردم و مکانها احساس تعلق به وجود آورد. اجزای قابل شناسایی محیط باید طوری ترتیب داده شوند که از بُعد ذهنی یک ناظر معمولی بتواند آنها را به هم پیوند دهد و الگوی آنها را در زمان و فضا بیابد. بنابراین، «خوانایی» ارزش زیادی در شناخت محیط شهری دارد و منشأ امنیت خاطر و ارتباط با جامعه است (لینچ، ۱۳۵۰). به منظور شناخت ویژگیهای فضایی، باید رابطه متقابل بیننده و آنچه را که دیده می‌شود در نظر گرفت. از این رو لازم است تا این موارد را در طراحی فضاهای شهری ملحوظ داشت:

۱. اشیای نمایان: اشیای خاصی که تک هستند یا ارزش والا و معناداری برای مردم دارند، مانند بناهای تاریخی و عناصر نمادین.
۲. قلمرو: تقسیم محیط به زمان و فضای خاص، مانند قلمرو عمومی و خصوصی، حریمها، مناطق آزاد، مناطق پرزدحام و خلوت.
۳. تصویر ذهنی: شناخت تصویر ذهنی کلی از محیط که در راهها، نشانهها، گرهها، لبهها و محلهها قابل سازماندهی هستند.

۴. ارزش و معنا: محیط باید معنادار باشد. معنای محیط را می‌توان از طریق آزمونها، مصاحبهها و یا توصیف مردم از ارزشها و معانی مختلف محیط دریافت (Lynch, 1968).

امس راپاپورت<sup>(۲)</sup> تفاوت محیطهای کالبدی را ناشی از «تفاوت فرهنگها» می‌داند. به نظر او بهترین راه تجربی ساختن فرهنگ، شناخت نظام فعالیتهای و شیوه زندگی است. برنامه‌ریزی

(1) Kevin Lynch

(2) Amos Rapoport



شهری در نظر او سازماندهی چهار عامل در محیط است: ۱) فضا، ۲) معنا، ۳) ارتباط و ۴) زمان. آنها به طور نظام یافته با فرهنگ هر جامعه رابطه دارند (Rapoport. 1977. 9-14).

فضا مجموعه‌ای از روابط میان مردم و مردم، اشیا و مردم، اشیا و اشیا است. فضا محصول ترکیبی اتفاقی نیست و دارای نظم و الگوی ساختاری خاص هر فرهنگ است (Rapoport. 1984. 68-69). عناصری که به فضا سازمان می‌دهند، سه دسته‌اند: ۱) عناصری که شکل آنها ثابت است و یا به تدریج تغییر می‌کند، مثل ساختمان، راه و دیوار، ۲) عناصر نیمه ثابت مانند علائم، گیاهان و اثاثیه شهری ۳) عناصر متحرک که شامل مردم و فعالیتها و روابط اجتماعی آنهاست (Rapoport. 1977. 380).

وقتی اهداف سازماندهی فضا با اهداف عملکردی منطبق باشند، فضا دارای «معنا» خواهد بود. فضا با معانی خود از طریق نشانه‌ها، مصالح، رنگ، شکل و منظر ادراک مردم را تحت تأثیر قرار می‌دهد. وضوح این معنا ناشی از میزان مشارکت در فضا یعنی حرکت مردم، فعالیتها و استفاده آنها از فضا است. هرگاه نظم فضایی، فعالیتها و معانی باهم سازگار و یکدیگر را تقویت کنند، رابطه اجتماعی در فضا نیز تقویت می‌شود (Rapoport. 1977. 9-11).

سازماندهی فضا می‌تواند به «ارتباط» میان مردم و فضا ساختار دهد، به عبارت دیگر آن را تسهیل کند، مانع شود یا پیوند به وجود آورد. سازماندهی ارتباط در فضا، معنای فضا را برای مردم روشن می‌کند. خوانایی فضا و نمادها در ایجاد ارتباط بسیار مؤثرند. نمادها باید معانی مشترک داشته باشند، خوب درک شوند و مناسب باشند تا پایدار بمانند. نمادها و آداب و رسوم به مثابه روابط نمادین، بخشی از فرهنگ به شمار می‌آیند (Rapoport. 1977. 325).

انسانها در فضایی با عناصر ثابت، نیمه ثابت و متحرک با هم ارتباط برقرار می‌کنند تا شیوه زندگی خاص خود را حفظ کنند. فضای شهری به مثابه یک محیط اجتماعی دربردارنده مجموعه‌ای از ارتباطات است. شناخت فضای شهری از طریق شناخت شکل بصری (دنیای ادراکی) و اهمیت اجتماعی (دنیای ارتباطی) آن امکان پذیر می‌شود. نحوه و میزان ارتباطی که استفاده کنندگان با فضا برقرار می‌کنند، اهمیت سازماندهی عناصر در فضا را نشان می‌دهد

«زمان» رابطه نزدیکی با نظام فعالیتها دارد. مردم می‌توانند در زمان و در مکان خاص به هم پیوندند یا از هم جدا شوند. همزمان شدن نادرست و نامناسب فضای اجتماعی و زمان اجتماعی عملکرد فضا را تحت تأثیر قرار می‌دهد و گاه منجر به عدم ارتباط میان گروهها یا ارتباط گروههای ناسازگار می‌شود (Rapoport. 1977. 113 & 250).

مانوئل کستلز<sup>(۱)</sup> فرضیه خود را درباره فضا چنین بیان می‌کند:

رابطه تاریخی جدیدی میان فضا و جامعه در فرایند بحران جهان امروز در حال شکل‌گیری است. در صورتی که این رابطه گسترش یابد، به پیامدهایی منجر می‌شود که بالقوه برای تمامی روابط اجتماعی مخرب است. باید گفت که فضا بازتاب جامعه نیست بلکه خود جامعه است. فضا بعد مادی جامعه است و اگر آن را مستقل از روابط اجتماعی در نظر بگیریم، مانند آن است که ماهیت را از جسم جدا سازیم و اولین اصل هر علم اجتماعی را نادیده بگیریم: روح و جسم با هم رابطه متقابل دارند (Casells. 1984. 236).

انسان از طریق روابط اجتماعی به فضا شکل، عملکرد و اهمیت اجتماعی می‌دهد. کستلز برای سازماندهی فضا، نظام محلی (مشارکت مردمی) را پیشنهاد می‌کند که در آن فضا ارزش سودمندی است و هدف از آن پیشبرد سطح زندگی، امنیت اجتماعی، حفاظت از محیط زیست و فضای تاریخی است. ساختار اقتدار آن نوعی خودگردانی براساس مشارکت مردمی است و نظام فرهنگی آن را هویت و استقلال فرهنگی، سنتهای تاریخی، ارتباطات، اطلاعات و تبادل نظر دوجانبه تشکیل می‌دهد (Castells. 1977. 115).

راجر ترانسیک<sup>(۲)</sup> نظریه‌های موجود درباره فضاهای شهری را به سه دسته تقسیم‌بندی می‌کند:

۱. نظریه توده - فضا: این نظریه بر مبنای ساختمانهایی که به مثابه توده‌ای سخت، سطح زمین را پوشانده و زمین باز خالی یعنی فضا، شکل گرفته است. طراحی توده باید در جهت ساختار بخشیدن به فضا باشد تا ساختمان و فضا با یکدیگر همزیستی مثبت داشته باشند. در این نظریه، آسان‌ترین راه ایجاد فضاهای تعریف شده، توده‌های ساختمانی افقی است. این فضاها متشکل از سلسله مراتبی از قلمروهای عمومی، نیمه عمومی و خصوصی پیوسته است و

(1) Manuel Castells

(2) Roger Trancik

ایجاد مکانهای تجمع برای کنش متقابل و روابط اجتماعی را امکان پذیر می کند.

۲. نظریه اتصال: این نظریه درباره راههایی است که عناصر شهری را به هم پیوند می دهند. این خطوط به وسیله پیاده راهها، فضاها، باز خطی و سایر عناصر پیوند دهنده شکل می گیرد که بخشهای شهر را از نظر کالبدی با هم مرتبط می سازد. برنامه ریزان شهری از این نظریه به منظور سازماندهی شبکه های ارتباطی و شبکه ای که به فضا ساختار می دهد، استفاده می کنند. آنها با استفاده از این نظریه سعی دارند، تا ترکیب فضاها را عمومی را به صورت یک کل نشان دهند.

۳. نظریه مکان: اساس نظریه مکان، درک خصوصیات انسانی و فرهنگی فضای کالبدی است. از نظر کالبدی، فضا یک زمین خالی محدود و هدف دار است که اشیا را به هم پیوند می دهد. این فضا هنگامی که محتوای فرهنگی بیابد «مکان» نامیده می شود. خصوصیت مکان هم اشیا را که دارای مصالح، شکل، بافت و رنگ هستند و هم روابط فرهنگی ناشی از استفاده انسانها در طول زمان را شامل می شود. مردم به نظامهای نسبتاً پایدار نیاز دارند تا بتوانند در آن فرهنگ، اجتماع و شخصیت خود را رشد دهند. وظیفه برنامه ریزان شهری ایجاد مکانی است که بهترین تناسب را میان زمینه فرهنگی، کالبدی، نیازها و انتظارات استفاده کنندگان فراهم آورد. برنامه ریزان شهری برای ایجاد این مکانها نیاز به بررسی زمینه تاریخی، اطلاع از نیازهای جامعه برای پاسخگویی به آنها، آگاهی از سنتهای گذشته در ساخت این مکانها و قابلیت انعطاف برای تغییر در حال و آینده را دارند (Trancik, 1986. 91-98).

به نظر ترانسیک در طراحی شهرها باید ترکیبی از این نظریه ها یعنی نظریه توده - فضا، نظریه اتصال و نظریه مکان را با هم در نظر گرفت و در پروژه های شهری همه آنها را به شیوه ای مناسب به کار برد.

### ۳- یافته های پژوهش نظری

نظریه های فضاها شهری هم بر خصوصیات کالبدی و هم بر اهمیت اجتماعی و فرهنگی آنها تأکید ورزیده اند. در نظریه توده - فضا، نقطه عزیمت برای شناخت شکل شهر، تجزیه و تحلیل رابطه توده ساختمان و فضای باز به مثابه ابزاری نیرومند برای شناسایی بافت شهر و

مسائل نظم فضایی آن فرض شده و اهمیت طراحی فضاهای شکیل به اندازه طراحی توده ساختمانی مورد توجه قرار گرفته است. در نظریه اتصال بر لزوم پیوستگی فضایی و شبکه حرکتی تأکید می‌شود که به موجب آن عناصر مجزای شهر در مقیاس شهری و در ساختار طراحی شده کلان با هم ارتباط می‌یابند. اتصال فضاها ضمن ایجاد پیوند هدفدار میان عناصر مختلف شهر، موجب حفظ عملکردها و پیوستگی اجتماعی می‌شود. در نظریه مکان، بر اهمیت ارزشهای تاریخی، اجتماعی و فرهنگی در فضاهای شهری تأکید شده و مکان، تجربه فضایی انسانها تعریف شده است. به همین جهت برنامه‌ریزان شهری سعی در یافتن اصول و ضوابطی داشته‌اند که بر درک مطلوب از فضا تأثیر می‌گذارد.

وضوح شکل بصری و عملکرد فضا موجب ادراک صحیح از آن و در نتیجه شفافیت ارتباط مردم با فضاست. این خاصیت می‌تواند بر «اهمیت اجتماعی» فضاهای شهری بیفزاید. ادراک استفاده‌کننده و نحوه تجربه فضای شهری توسط مردم، «خوانایی» نام دارد. خوانایی علاوه بر عناصر کالبدی، شامل عملکردها نیز هست. بنابراین ادراک روشن مردم از فرصتهایی که یک فضا در اختیار افراد می‌گذارد، در نحوه و میزان استفاده از آن اهمیت دارد. در این صورت فرد می‌داند در چه فضایی، چه کاری باید انجام دهد و نتیجه آن چه خواهد بود.

ساختار و هویت نیز شامل الگوی به هم پیوسته و قابل تشخیص بلوک‌ها، ساختمانها و فضاهای شهری است. شهر و اجزای آن باید به گونه‌ای با هم ارتباط داشته باشند، که مردم احساس کنند در مکانی واقع‌اند. تنوع کاربریها به دامنه استفاده‌هایی که از یک مکان صورت می‌گیرد، می‌افزاید. چنانچه هدف از ایجاد فضا با عناصر موجود در آن تناسب بصری داشته باشد، فضا برای مردم معنادار می‌شود، زیرا ظاهر مشخص آن، تفسیر مردم را از فضا وضوح می‌بخشد. در تکمیل این موارد باید به اصل دسترسی اشاره کرد که به بیان ساده یعنی آنکه مردم کجا می‌توانند بروند و کجا نمی‌توانند. فضاهای عمومی باید از نظر کالبدی در دسترس و از نظر بصری در دیدرس باشند تا افراد بتوانند از آنها به‌خوبی استفاده کنند. تقویت دسترسی به فضاهای عمومی از طریق استقرار ورودیهای مناسب و افزایش سطح فعالیتهای پیرامون آن امکان‌پذیر است.

همه این موارد اصول طراحی فضاهای شهری موفق بوده که بر ادراک انسان در استفاده از فضا تأثیر می‌گذارد و فضایی مناسب برای حضور انسانها فراهم می‌آورد. بر این اساس، سازماندهی فضای کالبدی به تنهایی شرط کافی برای موفقیت یک فضا نیست، بلکه همان‌طور که در ابتدا گفتیم تجربه وقایع و روابط اجتماعی آگاهانه و هدف‌دار جزئی از فضاست و به تقویت حس مکان کمک می‌کند. ساخت فضای شهری به معنای میل به مشارکت در زندگی اجتماعی است و می‌تواند به‌منزله کانونهای دیدار و ملاقات و ارتباطات چهره به چهره عمل کند.

#### ۴- فضاهای شهری در جهان

در اینجا نمونه‌هایی از فضاهای شهری با ارزش در جهان معرفی می‌شوند. در انتخاب فضاهای شهری، اهمیت آنها به‌مثابه فضاهای گردهم‌آورنده‌ای که درخور حفظ و نگهداری به‌دست نسلهای آینده بوده در نظر گرفته شده است. شهرها به واسطه وجود این فضاها شهرت یافته‌اند و عملکرد آنها به‌مثابه مکان تجمع به منظور برقراری روابط اجتماعی و فرهنگی مورد توجه قرار گرفته است.

#### ۴-۱- فضاهای شهری سنتی

در میان شهرهای دوران باستان، فضاهای شهری یونان هم از نظر شکل ظاهری و هم عملکرد برای برنامه‌ریزان شهری الهام‌بخش بوده‌اند. شهرهای یونان با محدوده‌های مشخص و شکل شهری فشرده و زندگی اجتماعی حداقل به ظاهر منسجم، از موفقیت زیادی برخوردار بوده‌اند و سیمای شهر آنها تجلی واقعی شیوه زندگی و بینش ساکنان آنهاست. فضاها، به‌دلیل اولویت زندگی اجتماعی بر زندگی خصوصی، برای حضور اجتماعات شهری خلق می‌شده‌اند. سازگاری اجتماعی با کمترین امکانات زندگی موجب می‌شد تا شهروندان اوقات فراغت کافی برای پرداختن به مسائل ذهنی داشته باشند و در فعالیتهای اجتماعی شرکت کنند. از طریق اجتماع در این فضاها بود که مردم سالاری آتن، یعنی حاکمیت شهروندان برابر و آزاد تحت لوای قانون

شکل گرفت. مردم‌سالاری شامل بحث آزاد، حس وحدت با هم‌نوعان و فرصت کامل برای شرکت در امور جامعه بود، که در آن انسان‌های آزاد می‌توانستند در اداره شهر در قالب رابطه چهره به چهره شرکت کنند (موریس. ۱۳۶۸. ۳۶-۳۳؛ ۲۰. ۱۹۹۰. ۱۲-۱۳؛ Gallion. 1970).

به این ترتیب، نیاز به گردهمایی شهروندان موجب می‌شد تا فضاهای باز در شهر به‌منزله مکان‌های تجمع عمومی با شکلی خاص «اهمیت اجتماعی» بیابند. مهم‌ترین این فضاها آگورا بود که مرکز شهر و قلب تپنده آن محسوب می‌شد. آگورا فضایی محصور با رواق‌های ستون‌داری بود که بناهای اطراف را به هم پیوند می‌داد. این فضا صحنه حیات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و مذهبی روزانه را تشکیل می‌داده است. آگورای یونان هنوز الگویی برای ساخت محل ملاقات و اجتماع شهرهاست و آگاهی از اصول طراحی و عملکرد آن برای برنامه‌ریزان شهری در طراحی فضاهای موفق، راهنما بوده است (Gallion. 1970. 16).

فروم، مشابه رومی آگورای یونانی بود که از یک صحن با ستون‌هایی در اطراف آن و تالاری واقع در یک سوی آن به‌وجود می‌آمد. معبد اصلی، تئاتر و حمام عمومی نیز در نزدیکی فروم در مرکز شهر قرار داشتند. ساختار محصورکننده فضا از ساختمان‌های یادمانی عمومی تشکیل شده بود. فروم‌ها شکل منظمی داشته و بی‌نظمی‌های آن در توده ساختمانی اطراف محور می‌شد. فروم به‌صورت فضایی چند عملکردی، فعالیت‌های تجاری، سیاسی و مدنی را با هم تلفیق کرده بود. گاه نیز عملکردهای خاص را در خود جای می‌داد (موریس. ۱۳۶۸. ۷۳-۷۱).

در شهرهای قرون وسطا حداقل یک فضای باز عمومی در مرکز یا نزدیکی آن وجود داشت که به‌مثابه بازار عمل می‌کرد. یک منطقه تجاری نیز در قسمت عرض‌تر خیابان اصلی شهر واقع بود که علاوه بر عملکرد تجاری، مکانی برای گردهمایی‌های عمومی محسوب می‌شد. فضای شهری دیگر، فضای مقابل کلیسا بود که به پارویس شهرت داشت. مردم پیش و پس از مراسم در این فضاها اجتماع می‌کردند و به وعظ و خطابه گوش می‌دادند. در مقابل در ورودی کلیسا، مراسم عشا ربانی برگزار می‌شد و گاه روستاییان بساط بازار موقت پهن می‌کردند (موریس. ۱۳۶۸. ۱۰۵).

نمونه‌ای از فضاهای شهری قرون وسطی میدان کامپو در سیه‌نا قرار دارد که مفهوم اجتماعی این فضای محصور در بافت فشرده شهرهای آن دوره برای گردهمایی مردم واجد اهمیت بوده

است. این میدان هم‌اکنون نیز یکی از فعالترین فضاهای شهری جهان است. فضای میدان در تضاد با توده فشرده اطراف، کانون فعالیت‌های عمومی است. ساختمانهای دولتی، موزه و کلیسا از عناصر اصلی تشکیل‌دهنده این فضاهاست. علاوه بر عملکرد فوق، میدان مکانی برای برگزاری مسابقات مهم اسب‌سواری و جشنواره‌هاست. میدان با بناهای تاریخی اطراف آن جاذبه توریستی نیز دارد (Trasik. 1986. 62; Harplin. 1972. 28).

فضاهای شهری رنسانس صحنه‌ای برای نمایش درباریان، رهبران کلیسا، نجیب‌زادگان و سایر ثروتمندان و صاحبان نفوذ بود که در این فضاها مراسم مذهبی و جشنهایی برگزار می‌کردند. در این دوره، شهرسازان به دنبال ساخت فضاهایی برای تفریح و گذران اوقات فراغت مردم در خارج از خانه‌ها بودند. میدانهای مهم یا به‌طور کامل به روی تردد و وسایط نقلیه بسته می‌شد و یا طوری سازمان می‌یافت که افراد پیاده بیش از حد تحت تأثیر مزاحمت سوارها قرار نگیرند. فضاها محل تجمع عمومی در مقابل ساختمانهای مهم عمومی و مذهبی و یا سلطنتی شهر بود که نمونه مهم آن میدان سنت مارک است. این میدان واقع در شهر ونیز ارزش جهانی دارد و فضای جاذبی برای توریست‌ها قلمداد می‌شود. این فضای شهری پس از چندین دوره اصلاحات به‌وجود آمده است. میدان از سه جهت با ساختمانهایی که ریتم منظمی دارند و به کلیسای سنت مارک منتهی می‌شود، محصور است و هنر ترکیب شیوه‌های معماری دوران مختلف را در یک ترکیب کلی نشان می‌دهد. میدانچه مجاور آن ارتباط میدان را با کاتال بزرگ شهر برقرار کرده و به شکل یک فضای ارتباط‌دهنده، دسترسی مردم را از دریا به بافت شهر فراهم می‌کند. اتصال این دو فضا به یکدیگر گنجایش اجتماع مردم را افزایش می‌دهد. تأثیر دریا به‌مثابه عامل طبیعی، وجود بناها و یادمانهای زیبا، انبوهی از مجسمه‌ها و تزیینات که به طرز مناسبی در کناره میدان جایگزین شده، فضا را برای گردهمایی مردم باز گذاشته و معنایی اجتماعی، فرهنگی به آن داده است. از فعالیت‌های مهم میدان، برگزاری کنسرت‌های موسیقی، انجام مراسم و جشنواره‌های مذهبی، خرید و فروش در هوای آزاد، دانه‌دادن به کبوتران و اجتماع مردم جهان با فرهنگهای مختلف است که به شهر اعتباری جهانی بخشیده است (موریس. ۱۳۶۸. ۲۰۱-۲۰۰؛ بنه ولو. ۱۳۶۹. ۸۷).

## ۲-۴- فضاهای شهری معاصر

به عقیده منتقدان، فضاهای شهری معاصر عملکرد خود را به‌مثابه مکانهایی برای برقراری روابط اجتماعی از دست داده‌اند و در حقیقت مفهوم اجتماع جای خود را به همزیستی اجباری در شهر داده است. فضاهای سنتی که امکان مشارکت عمومی افراد در تصمیم‌گیریهای جمعی را فراهم می‌کرد از میان رفته و شبکه‌های ارتباطی کنونی قابل رؤیت نیستند. در نتیجه، پدیده جدیدی به نام نافضایی ظهور یافته که بُعد جدیدی به زنجیره زمانی - فضایی شهر افزوده و انزوای مردم و فعالیتهای آنها را در پی داشته است (Castells, 1984, 239).

به‌طورکلی، عوامل زیر در شکل‌گیری فضاهای شهری معاصر نقش داشته‌اند (Trancik, 1986, 4-17):  
الف) وابستگی روزافزون به خودرو: در نتیجه استفاده روزافزون از خودرو، بزرگراهها، معابر و پارکینگ‌ها به‌منزله فضاهای عمومی به شهر مسلط شده و معنای فرهنگی و هدف انسانی فضاهای شهری را تحت تأثیر قرار داده‌اند. مفهوم اجتماعی خیابان کم‌رنگ شده و به جای افراد پیاده، وسایط نقلیه در این فضا جای گرفته‌اند. طراحی بزرگراهها، فضای وسیع و بدون شکل ایجاد کرده که نتیجه آن ایجاد سطح وسیعی از فضاهای خالی و ملال‌آور همراه با آسیبهای اجتماعی است. استفاده از راههای شبکه شطرنجی، ضمن جداسازی فعالیتها و مکانها موجب تسهیل و تسریع حرکت سواره شده و اولویت سود و سرعت بر ابعاد انسانی را آشکار ساخته است.

ب) سیاستهای منطقه‌بندی و کاربری زمین در طرحهای نوسازی شهری: طرحهای نوسازی به روابط اجتماعی بی‌توجه بوده و فضاهای شهری قدیمی و با ارزش را از بین برده‌اند. منطقه‌بندی به‌منزله ابزاری برای جدایی عملکردها، مانع از ساخت فضاهای شهری با عملکردهای متنوع است. این سیاست نظم عملکردها را جایگزین نظم فضایی ساخته و اهمیت نظم فضایی در عملکرد اجتماعی را نادیده گرفته است.

ج) عدم هماهنگی میان نهادهای دولتی و خصوصی در طراحی محیطهای شهری عمومی: در شهر مدرن فضاهای جمعی جای خود را به عناصر خصوصی داده‌اند. در گذشته، فضاهای عمومی متناسب با ساختمانهای خصوصی طراحی می‌شد. اما اکنون نهادهای دولتی و



خصوصی بی ارتباط با هم، به این امر اشتغال دارند. سرمایه گذاری در زمینه حفظ فضای عمومی کاهش یافته و راه حل آن آشتی میان منافع عمومی و خصوصی است.

د) گرایش معماران و برنامه ریزان شهری نوگرا به فضاهای باز: برنامه ریزان شهری معاصر تحت تأثیر نوگرایی، ابعاد انسانی و اصول فضاهای شهری سنتی را کنار گذاشته اند. فضاهای میان ساختمانها به ندرت طراحی می شوند و ساختمانهای مرتفع در فضایی وسیع و بدون شکل رها شده اند. گرایش افراد به استفاده از فضاهای شهری تغییر کرده، در حالی که آنها می توانستند در فضاهای شهری، زیست اجتماعی داشته باشند. آرمان نوگرایان درباره شکلهای معماری عمودی یا برجها که سطح افقی کمی را می پوشاند، نشان می دهد که منظر، فضای باز و استفاده از نور خورشید بیش از حیات اجتماعی اهمیت داشته است. تداوم منظر از بین رفته و ساختمانها با آنکه منظم به نظر می آیند اما حس مکان را القا نمی کنند. فضای شهری ساختار پیوسته ای در شهر ایجاد نمی کند و فضاهای باز بافت شهری را از هم گسسته اند.

کوششها برای انسانی کردن فضاها از سوی برخی برنامه ریزان شهری آغاز گشت. آنها سعی در تجدیدنظر در اصول و نمود ظاهری آن دسته از فضاهای شهری داشتند که به نیازها و فعالیتهای انسانی در فضا کمتر پاسخگو بوده اند. از این رو، در تعریف مکان و نحوه طراحی فضاهای شهری براساس محتوای اجتماعی آنها اهتمام ورزیدند. آنها انسانگرایی را سرلوحه اهدافشان قرار دادند و الگوهای تاریخی فضاهای شهری را با اهمیت تلقی کردند.

نمونه هایی از طراحی فضاهای شهری جدید که سعی در برگرداندن روابط اجتماعی چهره به چهره در فضاها داشته اند اغلب به صورت مراکز خرید سرپوشیده یا سرباز و میدانهای تفریحی طراحی شده اند. خیابان «لژبان» در ترندام به منزله یک مسیر پیاده مدرن، فضایی امن و کاملاً انسانی برای اجتماع مردم ایجاد کرده است. این فضا با ساختمانهای اطراف خود دارای مقیاس انسانی است. وجود انبوه قهوه خانه ها، گل کاری، تبلیغات تجاری و مجسمه ها محیط جذابی برای حضور مردم فراهم کرده است. فضای سبز آن، درختان سایه داری است که نیمکتی برای توقف و استراحت در میان آنها واقع است (Smith, 1977. 121). میدان راکفلر در نیویورک نیز، از میدانهای نادری است که عملکرد تفریحی مناسبی دارد و به مثابه صحنه نمایش برای تماشاگر مردم به شمار می رود (Trancik, 1986. 46).

## ۵- فضاهای شهری یزد

برای بررسی تجربی نظریه‌ها و اصول مربوط به فضاهای شهری اجتماعی - فرهنگی، شهر یزد به‌مثابه یک شهر بزرگ از میان شهرهای ایران انتخاب گردید. دلیل انتخاب این شهر وجود اطلاعات نسبتاً جامع و مدرن درباره فضاهای شهری آن است. برای جلوگیری از گستردگی مطلب، از میان فضاهای شهری مشاهده شده، به معرفی چند فضای شهری عمده در بخشهای قدیمی و جدید شهر اکتفا می‌شود تا خواننده با شرایط کلی این فضاها در سطح شهر، ناحیه و محله‌های مسکونی قدیم و جدید آشنا گردد.

از معمولی‌ترین فضاهای شهری پرجاذبه در مراکز شهرهای ایران، از جمله یزد، بازار است. بازارها معابری سرپوشیده هستند که در آن پیوستگی و نحوه محصور کردن فضاها، سادگی شکل، حفظ تناسبات، تقارن، هنر پیوند تقاطع‌ها، مقیاس انسانی و حفظ عابران در مقابل شرایط نامساعد اقلیمی، محیطی امن و دلپذیر برای حضور انسان فراهم آورده است. بازار محل تشکیل اصناف یا اجتماعات تصمیم‌گیرنده اقتصادی بر مبنای فعالیت مشترک است. توزیع فضایی اصناف بر پایه تولید و عرضه کالاهای مشابه است و معمولاً بازارها بر همین مبنا نامگذاری شده‌اند. بازار زرگری، مسگری، چیت‌سازی و کاشیگری نمونه آن است. دکانها در امتداد بازار قرار داشته و متناسب با کالایی که عرضه می‌کنند، شکل و ابعاد خاصی دارند (توسلی، ۱۳۶۹: ۲۱؛ پیرنیا، ۱۳۴۸: ۶۰).

بازار در طول رشد خود اندامهای حیاتی شهر یعنی دکانهای پیشه‌وران، مساجد، مدارس، کاروانسراها و سایر عناصر را به هم پیوند داده و این ساختار در ارتباط با محله‌های مسکونی اطراف، همبستگی زندگی اجتماعی، اقتصادی و مذهبی را فراهم آورده است (Ardalan & Bakhtiar, 1974: 54). طراحان این فضای شهری برای نیازها و ابعاد مختلف انسانی، یعنی بُعد جسمی، علمی، اخلاقی و زیبایی‌شناختی او ارزش قائل بوده، میان آنها ارتباط برقرار می‌کرده و به بازار معنایی بیش از مکانی برای رفع نیازهای مصرفی می‌بخشیده‌اند. شکل برخی از دکانها رابطه چهره به چهره فروشنده و خریدار را به جای رابطه خریدار با کالاهای پشت ویتترین دکانها همچنان حفظ کرده است.

از خصوصیات مهم بازار، جایگزین شدن فضای مناسب در مقابل هر بنا و تناوب فضایی است. با این همه، هر فضا که خصوصیت خود را دارد، برای پذیرش عملکردهای متفاوت انعطاف پذیر است. برای نمونه در کاروانسراها، مراسم مذهبی نیز برگزار می شود؛ بازار با ایجاد وحدت و رابطه میان عناصر و عملکردهای مختلف، شبکه ای قوی از روابط اجتماعی ایجاد می کند. صحن مساجدی که در طول بازار قرار دارند، علاوه بر کاربری ارتباطی، حداقل یک بار در روز افراد مختلف بازار را برای انجام فریضه دینی مشترک جمع می کند و آنها را در فضایی مقدس قرار می دهد.

نمونه دیگری از فضاهای سنتی یزد، میدان امیر چخماق است. در قسمت شرقی میدان، بازاری وجود دارد که سر در آن بنای زیبا و بلندی به اسلوب بناهایی که در تکایای یزد دیده می شود، ساخته شده و معرف شهر یزد است. این بنا قسمتی از حسینیه ای است که در قرن سیزدهم هجری ساخته شده است و در هنگام مراسم سوگواری، افراد ممتاز (نخبگان) شهر در صفاهای آن جا می گرفتند. یکی از عناصر نیمه ثابت میدان، نخل است که نمادی از تابوت امام حسین (ع) است. این فضای محصور با بنای زیبای تکیه و نخل الگویی بود که در ساخت اغلب حسینیه های یزد از آن پیروی می شد (افشار، ۱۳۵۴. ۷۱۰-۷۰۸). با از میان رفتن بدنه محصور میدان، اختصاص بخش عمده ای از سطح میدان به تردد سواره و تسلط کاربری تجاری، این فضا عملکرد اجتماعی، فرهنگی گذشته خود را از دست داده است.

در توسعه جدید می توان از فضاهای باز در امام شهر نام برد. در طراحی فضاهای این شهرک از پیش طراحی شده، از الگوی سریع و ارزان قیمت شبکه شطرنجی استفاده شده که نتیجه آن ایجاد خیابانهای یکنواخت و یک شکلی است که فاقد هویت و ارزش بصری است و شناسایی آنها حتی برای ساکنان نیز دشوار است. همچنین این فضاهای باز که در تقابل با حضور انسان در شرایط اقلیمی شهر است، اساساً برای عبور و مرور خودروها سازماندهی شده اند.

خصوصیت عمده یکی دیگر از محله های مسکونی به نام صفائیه، واقع در بخش بیرونی شهر، تسلط بیش از حد فضاهای باز با هزینه سنگین احداث و نگهداری، اما بدون استفاده انسانی است. زندگی خصوصی در این منطقه اعیان نشین یک «ارزش» یا مطلوبیت محسوب می شود و به همین دلیل فضاهای باز عمومی، برای رفت و آمد و وسایط نقلیه طراحی شده اند و

به ندرت تردد پیاده در آنها به چشم می خورد. در فضاها عنصری که منعکس کننده شیوه خاص سنتی زندگی مردم شهر باشد، وجود ندارد. در طراحی آنها از استانداردهایی استفاده شده که در هر شهر با هر هویت فرهنگی و در هر شرایط اقلیمی، در حال تکرار شدن است. روابط همسایگی در قلمروی خصوصی خانه‌ها و خارج از فضاها شهری صورت می گیرد.

نتیجه انجام تحقیقات مقدماتی نشان داد که در محله‌های بافت قدیم، فضاها تعریف شده قابل ادراک و دارای نظم و معنا با عملکرد اجتماعی - فرهنگی وجود دارد که برای ساکنان محله واجد ارزش زیادی است و همچنین علاوه بر شکل بصری مناسب، دارای اهمیت اجتماعی است. این فضاها همان میدانهای سنتی هستند که برای انجام مطالعه موردی انتخاب شدند.

#### ۶- مطالعه موردی میدانهای سنتی یزد

پس از انجام تحقیقات مقدماتی، امکان برنامه‌ریزی برای یک پژوهش دقیق تر فراهم آمد. سعی شد تا برای مطالعه موردی، فضاها برای انتخاب شوند که در جهت هدف اجتماعی و فرهنگی خاص، عملکرد داشته و به خوبی سازمان یافته باشند. برای این منظور از توجه به فضاها شهری در مقیاس کوچک اما با عملکردی مثبت و قوی غفلت نگردید و در نهایت جست و جو برای این فضاها در محله‌های مسکونی بافت قدیم با یافتن میدانهای سنتی با قدمت چند صد ساله نتیجه داد. این فضا که به علت عملکرد خاص آن در برگزاری مراسم عزاداری امام حسین (ع) «حسینیه» خوانده می شود، از مهمترین عناصری است که در مسیر گذر اصلی محله، فضایی گردهم آورنده تلقی می شود و نقطه اوج تجمع مردم در محله است. استقرار فضایی این میدانها در مرکز محله، در مسیر یا تقاطع دو گذر اصلی است که با میدانهای محله‌های دیگر از طریق راههای اصلی مرتبط است. ورودیهای مشخص در مسیرهای اصلی، سهولت دسترسی مردم به فضاها را در همه اوقات فراهم کرده است.

برای مشخص ساختن جامعه آماری، از میان محله‌های سنتی شهر، سه محله به نامهای محله فهادان، وقت الساعت و شاه ابوالقاسم در بافت قدیم و محله چهارمنار در بافت نیمه قدیمی شهر انتخاب شدند. دلیل انتخاب میدانهای سنتی این محله‌ها آن است که علاوه بر عملکرد محلی، در هنگام انجام مراسم جمعی، میزبان مردم از نقاط مختلف شهر نیز هستند.

### ۱-۶- فرضیه‌های تحقیق

۱. در این فضاها روابط اجتماعی جزئی جدایی‌ناپذیر از فضا ادراک می‌شود.
۲. این فضاها به دلیل جاری بودن روابط اجتماعی خاص و ویژگیهای فضایی خاص در آن برای ساکنان محله واجد اهمیت هستند.
۳. خوانایی عناصر ثابت، نیمه ثابت و متحرک در فضا و به عبارت ساده تر خوانایی عناصر کالبدی و فضایی به استمرار زمانی در استفاده از آن کمک می‌کند.
۴. به دلیل اهمیت کارکردهای اجتماعی و فرهنگی خاص، وجود این فضاها برای محله ضروری است.
۵. معنای فضا از تناسب بصری عناصر موجود با هدف از ایجاد فضا حاصل می‌شود و تفسیر مردم را از فضا وضوح می‌بخشد.

### ۲-۶- جامعه آماری

از آنجا که هدف از این پژوهش، پی بردن به کیفیت و عمق موضوع بود تا کمیت آن، از پرسشنامه‌ای با پرسش‌های باز استفاده شد تا نظر پاسخگویان حتی الامکان بدون دخالت عقاید شخصی پژوهشگر منعکس شود. در هر محله ۳۰ نفر و در جمع ۱۲۰ نفر از ساکنان (۶۲ مرد و ۵۸ زن) به طور تصادفی انتخاب شده و با آنها مصاحبه به عمل آمد.

پاسخگویان به ترتیب ۲۵/۸ درصد در طبقه سنی ۲۰-۳۰، ۲۶/۷ درصد در طبقه سنی ۳۰-۴۰، ۲۴/۲ درصد در طبقه سنی ۴۱-۵۰، ۲۳/۴۱ درصد در طبقه سنی ۵۱-۶۰ قرار داشتند. تحصیلات پاسخگویان به ترتیب، ۲۰ درصد بی سواد، ۲۳/۳ درصد ابتدایی، ۲۱/۶ درصد راهنمایی و سیکل، ۲۰ درصد دیپلم و ۱۵ درصد بالای دیپلم بودند. همچنین سعی شد فاصله محل سکونت پاسخگویان تا فضاهای تعیین شده در نظر گرفته شود تا هم افراد مجاور میدانهای سنتی حسینی و هم آنها که در فاصله بیشتری از فضا قرار دارند، نظراتشان منعکس گردد.

به این ترتیب در هر محله با ۳۰ نفر از ساکنان مصاحبه شد، پیش از بیان نتایج استخراج شده ذکر این نکته ضروری است که هر جامعه ارزشها و هنجارهای خود را در استفاده از فضا دارد که آنها هم قابل تغییر هستند. از این رو، یافته‌های این پژوهش محدود به مکان و زمان خاصی است

و قابل تعمیم به کل جامعه یزد و فضاهاى آن نیست. اما به مثابه بخشى از آن جامعه قابل قبول و معتبر است.

### جدول ۱: ویژگی‌های پاسخگویان

درصد	تعداد	طبقات	
		جنسیت	سن
۵۱/۷	۶۲	زن	
۴۸/۳	۵۸	مرد	
۲۵/۸	۳۱	۲۰-۳۰	سن
۲۶/۷	۳۲	۳۱-۴۰	
۲۴/۲	۲۹	۴۱-۵۰	
۲۳/۳	۲۸	۵۱-۶۰	
۲۰	۲۴	بی‌سواد	وضعیت تحصیلی
۲۳/۳	۲۸	ابتدایی	
۲۱/۶	۲۶	سیکل	
۲۰	۲۴	دیپلم	
۱۵	۱۸	بالتر از دیپلم	

### ۳-۶- یافته‌های پژوهشی تجربی

از پاسخگویان خواسته شد تا با ارزش‌ترین عناصر محله را نام ببرند. پاسخگویان به ترتیب درباره رابطه اجتماعی با همسایگان و مردم محله (۷۲/۵ درصد)، مکانهای مذهبی - تاریخی به مثابه مکانهای گردهم‌آورنده (۲۰ درصد) و امنیت محله (۷/۵ درصد) بیش از هر چیز دیگری تمایل نشان داده‌اند. از بررسی آن، این نتایج به دست آمد که:

۱) رابطه اجتماعی در محله دارای ارزش زیادی است، (۲) میزان مطلوبی از تجانس برای رابطه اجتماعی وجود دارد، (۳) این رابطه اجتماعی از دلایل باقی ماندن افراد در محله و در نتیجه حفظ مفهوم محله است، (۴) نیروهای پیونددهنده یعنی افراد، ارزش‌ها، هنجارها و مکانهای اجتماعی در محله، ارتباطات را به وجود می‌آورند، (۵) مکانهای مذهبی - تاریخی به مثابه میراث فرهنگی و مکان انجام آداب و رسوم مذهبی به طور جمعی، ارزشمند هستند، (۶) امنیت محله از طریق ساکنان آن تأمین می‌شود که خود نشانگر آن است که مردم برای مراقبت غیررسمی در

فضاها حضور دارند. همچنین شدت روابط اجتماعی برای شناخت و آگاهی از فعالیت روزمره در محله کافی است و در نتیجه همدیگر را می‌شناسند و از ورود افراد غریبه آگاه می‌شوند. این روابط اجتماعی در فضاهای عمومی محله و به ترتیب اولویت در میدانهای سنتی، گذر و بازارچه جریان دارد. حضور داوطلبانه مردم در این فضاها نشان می‌دهد که مردم برحسب مطلوبیت شرایط فضایی دست به انتخاب این فضاها می‌زنند. در گذرها، هم فضایی برای حرکت و هم مکانی برای نشستن، گفت‌وگو و استراحت طراحی شده است. مردم در این گذرها و به‌ویژه در بن‌بستها با هم فعالیت جمعی دارند. بازارچه نیز به صورت بخشی از گذر اصلی است که اغلب محل اجتماع مردان است.

اما میدانهای سنتی «نقطه اوج تجمع مردم در محله» هستند. آنها از عناصر اصلی ساختار مرکز محله در مسیر گذر اصلی هستند که با سایر مراکز محله‌ها و از آنجا با مرکز شهر پیوند می‌خورند. این فضاها با غرفه‌ها و صفا‌های متقارن و متناسب محصور شده‌اند و تباین فضایی با ساختار فشرده اطراف، آنها را به سادگی قابل تشخیص می‌کند. در اطراف این فضای شهری عناصری عمومی مانند مدرسه، آب انبار، مسجد، زیارتگاه و بازارچه طراحی شده که با بازنده‌سازی آنها می‌توان حیات بیشتری به محله بخشید.

در تعاریفی که مردم از این میدانها به دست داده‌اند، رابطه اجتماعی و فعالیتهای مردم (۱۰۰ درصد)، به مثابه جزء تشکیل دهنده فضا و مقدم بر خصوصیات کالبدی آنها ادراک شده است. پاسخگویان خصوصیات کالبدی را شامل اندازه، شکل هندسی و بدنه محصورکننده فضا (۸۰/۸ درصد)، نمادها و اثاثیه موجود در آن (۷۸/۳ درصد) ذکر کرده‌اند. عناصر ثابت (شکل ظاهری)، عناصر نیمه ثابت (نمادها) و عناصر متحرک (مردم و فعالیتهای) طوری کنار هم قرار گرفته‌اند که به افزایش قابلیت دیده شدن و درک آنها کمک کرده، در تقویت معنای فضا مؤثرند. بنابراین از نظر پاسخگویان، فضا دارای محدوده مشخص و قابل تعریف است، به عنوان یک مکان، حس می‌شود و نمادها معنای آن را تقویت می‌کنند.

پاسخگویان عناصر کالبدی و نوع فعالیت را باهم در تعریف فضا به کار برده‌اند که این نکات را تأیید می‌کند: (۱) میان عناصر تشکیل دهنده فضا وحدت وجود دارد، (۲) هیچ عنصر بی معنایی در فضا نیست، (۳) فضا قابل ادراک و قابل شناسایی است و در ارائه تصویری روشن در ذهن

پاسخگویان موفق است، ۴) خوانایی فضا هم شامل خصوصیات کالبدی و هم فعالیتهای آن است، ۵) هدف از ایجاد فضا کاملاً روشن است.

مشابهت در تعریف پاسخگویان از میدانهای این محله‌ها نشان می‌دهد که برای ساخت آنها نوعی الگو وجود داشته است. میدانهای سنتی به مثابه فضای شهری از طریق عناصر تشکیل دهنده خود با مردم به خوبی ارتباط برقرار کرده و معنای خود را انتقال می‌دهند. بنابراین ایجاد هرگونه تغییر کالبدی می‌تواند موجب وضوح یا ابهام معنای آن برای استفاده‌کنندگان از این فضای شهری باشد.

این میدانها فضاهایی با عملکردهای متنوع هستند. مهمترین آن انجام مراسم جمعی مذهبی است که به علت نوع، تراکم و شدت رابطه اجتماعی از سایر فعالیتهای آن متمایز است. انجام مراسم مذهبی شامل هنر نمایش و موسیقی، شعرخوانی و سخنرانی است که وسیله‌ای برای نمایش استعدادها و قابلیت‌های افراد محله است. این فعالیتهای نشان می‌دهد که مردم برای حفظ رابطه اجتماعی، آداب و رسوم خاصی ایجاد کرده‌اند. آداب و رسوم رفتار فرهنگی قابل پیش‌بینی است؛ هنجاری قابل قبول و دارای سابقه طولانی است که حفظ آن ارزشمند به‌شمار می‌رود. مراسم مذهبی علاوه بر افزودن جنبه تقدس به فضای شهری موجب گسترش رابطه میان افراد محله، ساکنان محله‌های مجاور و سایر نقاط شهر می‌شود. این نوع فعالیت مهم و مکرر، که با منافع مشترک همراه است منجر به نوعی سازماندهی اجتماعی می‌شود. اعتقادات مذهبی به وسیله آداب و رسوم دوره‌ای تقویت می‌شود و سازوکاری برای برقراری روابط صمیمانه و ابراز هویت گروهی است که افراد از این طریق انسجام خود را با جامعه حفظ می‌کنند.

عملکردهای دیگر میدانهای سنتی از نظر پاسخگویان، گذران اوقات فراغت، ملاقات روزانه، تبادل اخبار و اطلاعات، آموزشهای غیررسمی، انتقال تجربیات و انجام امور خیریه و کمک‌رسانی است. این فضاها مکانی برای فعالیتهای جمعی شناخته شده که افراد در هر رده سنی، وضعیت تحصیلی، و با هر شغل و درآمدی از آن استفاده می‌کنند و با نیروی کار، صرف وقت و تقبل هزینه‌های مالی در حفاظت از آن مشارکت دارند.

از نظر ۵۱/۷ درصد از پاسخگویان، «اجتماع مردم»، جاذب‌ترین عنصر در فضا است. به عبارت دیگر، حضور مردم خود عامل جذب دیگران برای استفاده از فضا است. علاوه بر آن،



۴۲/۵ درصد، نخل و تزئینات (عناصر نیمه ثابت) و ۵/۸ درصد، صفاها (عناصر ثابت) را از دیگر اشیای «بالرزش»، «جالب» و «زیبا» در فضا تلقی کرده‌اند. بدنه میدان با طاق نماهای متقارن محصور شده و در موقع انجام آداب و رسوم مذهبی آن را به بهترین شیوه آرایش می‌کنند. به عبارت بهتر برای حضور، خط بصری و اجتماع مردم ارزش قائل می‌شوند. بنابراین، یکی از عملکردهای این فضای شهری ارضای ابعاد زیبایی‌شناختی روح انسانهاست. در عین حال زیبایی عامل مهمی در میزان استفاده از فضاست، که موجب ترغیب مردم به حضور در فضاها و حیات اجتماعی آنها می‌شود.

جدول ۲: طبقه‌بندی فعالیت‌ها در فضاهای مطالعه‌شده

شاه‌ابوالقاسم	وقت‌الساعت	فهادان	چهارمناز
مراسم سوگواری (سخنرانی مذهبی، شعرخوانی نمایش و موسیقی مذهبی، سینه‌زنی، اطعام مردم، نخل‌برداری)	مراسم سوگواری (سخنرانی مذهبی، شعرخوانی نمایش و موسیقی مذهبی، سینه‌زنی، اطعام مردم، نخل‌برداری)	مراسم سوگواری (سخنرانی مذهبی، شعرخوانی نمایش و موسیقی مذهبی، سینه‌زنی، اطعام مردم، نخل‌برداری)	مراسم سوگواری (سخنرانی مذهبی، شعرخوانی نمایش و موسیقی مذهبی، سینه‌زنی، اطعام مردم، نخل‌برداری)
محل اجتماع سالانه (اجتماع ساکنان محله، ساکنان سابق محله، ساکنان محله‌های مجاور و سایر نقاط شهر)	محل اجتماع سالانه (اجتماع ساکنان محله، ساکنان سابق محله، ساکنان محله‌های مجاور و سایر نقاط شهر)	محل اجتماع سالانه (اجتماع ساکنان محله، ساکنان سابق محله، ساکنان محله‌های مجاور و سایر نقاط شهر)	محل اجتماع سالانه (اجتماع ساکنان محله، ساکنان سابق محله، ساکنان محله‌های مجاور و سایر نقاط شهر)
محل ملاقات‌های روزانه (گذران اوقات فراغت، تبادل اطلاعات و اخبار محله، انتقال تجربیات، طرح مشکلات شخصی)	محل ملاقات‌های روزانه گفت‌وگو و دیدارهای کوتاه‌مدت	محل ملاقات‌های روزانه گفت‌وگو و دیدارهای کوتاه‌مدت	محل ملاقات‌های روزانه گفت‌وگو و دیدارهای کوتاه‌مدت
امور خیریه و کمک‌رسانی رای‌گیری محل بازی کودکان عبور سواره و پیاده توقف وسایط نقلیه	امور خیریه و کمک‌رسانی رای‌گیری محل بازی کودکان عبور سواره و پیاده توقف وسایط نقلیه	امور خیریه و کمک‌رسانی رای‌گیری محل بازی کودکان عبور سواره و پیاده توقف وسایط نقلیه	امور خیریه و کمک‌رسانی رای‌گیری محل بازی کودکان عبور سواره و پیاده توقف وسایط نقلیه

اندازه میدانها نسبت به تراکم انسانی پاسخگو است. نه آن قدر کوچک است که مانع از اجتماع مردم باشد و نه آن قدر وسیع که افراد در آن متفرق شده و قادر به انجام فعالیت مشترک نباشند. درخور توجه است که پاسخگویان، تناسب اندازه فضا را با تراکم جمعیت استفاده کننده در هنگام انجام فعالیت جمعی سنجیده‌اند (یعنی بر مبنای تراکم رابطه اجتماعی در فضا) و تناسبات هندسی محض را در نظر نداشته‌اند.

ارزش اجتماعی یک فضای شهری، نقش و اهمیت آن در زندگی ساکنان یک محدوده خاص را روشن می‌کند. همه پاسخگویان وجود این میدانها را برای محله به این دلایل لازم می‌دانند: (۱) دیدار و اجتماع مردم در این فضاها (۵۱/۶ درصد)، (۲) همبستگی و اتحاد مردم (۳۲/۵ درصد)، (۳) حفظ فرهنگ (۶۰ درصد) و (۴) انتقال فرهنگ به نسلهای آینده (۲۳/۳ درصد).

مردم در انتخاب فضاهای مشابه، آنها را با هم مقایسه می‌کنند. آگاهی از دلایل ارجحیت یک فضا نسبت به دیگری، نکات مثبت آن را مشخص می‌کند. ۶۸/۳ درصد از پاسخگویان، میدان محله خود را به این دلایل ترجیح می‌دهند: (۱) در دسترس بودن فضا، (۲) آگاهی از عملکرد فضا به معنای مشخص بودن نوع فعالیت و زمان آن، (۳) آشنایی با استفاده کنندگان از فضا، (۴) مشارکت مستقیم در فعالیتها، (۵) مؤانست با فضا در اثر کثرت استفاده از آن. ۳۱/۷ درصد از پاسخگویان، سایر فضاهای مشابه را به دلیل وسعت فضا برای اجتماع بیشتر مردم از نقاط مختلف شهر و تنوع فعالیتها در آنها ترجیح داده‌اند.

مشکلات میدانها از نظر پاسخگویان عبارتند از: (۱) مزاحمت ناشی از عبور و توقف وسایط نقلیه، (۲) تخریب و فرسودگی بدنه فضاها که به طور مداوم در دید مردم قرار دارد، (۳) کمبود تجهیزات شامل تجهیزات روشنایی، تلفن همگانی، سرویس‌های بهداشتی، و (۴) نبود تسهیلات فرهنگی نظیر کتابخانه و کلاس‌های آموزشی.

آگاهی از پیشنهادهاى مردم برای بهسازی فضاها چند مزیت دارد: (۱) در ایجاد تغییرات هدفدار و مرتبط با نیازهای ساکنان مؤثر است، (۲) فضای قابل استفاده و مفید براساس معیارهای فرهنگی مردم ایجاد می‌کند، (۳) به دلیل مشارکت مردم در فضاها، محدودیتها و امکانات فضایی بهتر ادراک شده، و پیشنهادهاى عملی تری ارائه می‌شوند. پیشنهادهاى پاسخگویان شامل

جدول ۳: طبقه‌بندی جوابهای پاسخگویان درباره فضاهای مطالعه شده

پرسش‌ها	طبقات جوابها		شاه‌ابوالقاسم		وقت‌الساعت		فهادان		چهارمنار		جمع	
	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد
بالارزش‌ترین ارکان (کالبدی و اجتماعی) در محله	روابط همسایگی	۲۲	۷۳/۴	۲۵	۸۲/۳	۱۸	۶۰	۲۲	۷۳	۸۷	۷۲/۵	
	اماکن مذهبی و تاریخی	۴	۱۳/۳	۵	۱۶/۷	۱۲	۴۰	۳	۱۰	۲۴	۲۰	
	امنیت محله	۴	۱۳/۳	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۹	۷/۵	
اولویت فضاهای مطالعه‌شده در محله	فضاهای مطالعه شده	۲۶	۸۶/۶	۷	۲۳/۳	۲۵	۸۲/۳	۲۴	۸۰	۸۲	۶۸/۳	
	فضاهای مطالعه‌شده در محله	۴	۱۳/۳	۲۳	۷۶/۶	۵	۱۶/۷	۶	۲۰	۳۸	۳۱/۷	
تعریف فضاها (ارکان اجتماعی و کالبدی ذکر شده)	مراسم و فعالیتها (هدف و نوع استفاده از فضا)	۳۰	۱۰۰	۳۰	۱۰۰	۳۰	۱۰۰	۳۰	۱۰۰	۱۲۰	۱۰۰	
	عناصر کالبدی فضا (شکل هندسی و اجزای بدنه)	۳۰	۱۰۰	۲۵	۸۴	۲۱	۷۰	۲۱	۷۰	۹۷	۸۰/۸	
	نمادها (نخل، کتیبه، پوش)	۲۶	۸۶/۶	۲۴	۸۰	۲۳	۷۶/۶	۲۱	۷۰	۹۴	۷۸/۳	
عناصر با ارزش در فضا	اجتماع مردم عناصر متحرک	۱۴	۴۶/۶	۱۷	۵۶/۶	۱۸	۶۰	۱۳	۴۳/۳	۶۲	۵۱/۷	
	نخل و تزئینات (عناصر نیمه‌ثابت)	۱۲	۴۰	۱۳	۴۳/۳	۱۲	۴۰	۱۴	۴۶/۶	۵۱	۴۲/۵	
	تکیه و صفه (عناصر ثابت)	۴	۱۳/۳	۰	۰	۰	۰	۳	۱۰	۷	۵/۸	
میزان ضرورت وجود فضاهای مطالعه‌شده در محله	خیلی لازم	۳۰	۱۰۰	۸	۲۶/۷	۲۳	۷۶/۷	۲۶	۸۶/۷	۸۷	۷۲/۵	
	لازم	۰	۰	۲۲	۷۳/۳	۷	۲۳/۳	۴	۱۳/۳	۳۳	۲۷/۵	
	لازم نیست	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	
دلایل ضرورت وجود فضاهای مطالعه‌شده در محله	اجتماع و دیدار مردم	۳۰	۱۰۰	۵	۱۶/۶	۱۵	۵۰	۱۲	۴۰	۶۲	۵۱/۶	
	همبستگی مردم	۱۹	۶۳/۳	۲	۶/۶	۵	۱۶/۶	۱۳	۴۳	۳۹	۳۲/۵	
	زنده نگاه داشتن دین (حفظ فرهنگ)	۱۵	۵۰	۱۸	۶۰	۲۱	۷۰	۱۸	۶۰	۷۲	۶۰	
	تربیت کودکان (انتقال فرهنگ)	۸	۶۱/۵	۰	۰	۹	۳۰	۱۱	۳۶/۶	۲۸	۲۳/۳	

زیباسازی فضاها، پاکیزگی آنها و رفع کمبود تجهیزات و تسهیلاتی است که در پیش به آنها اشاره شد. پاسخگویان خواهان احیا و افزایش فعالیتهای اجتماعی و فرهنگی در فضاها بوده‌اند، تا قابلیت استفاده از آنها را بالا ببرند. این موارد شامل امور آموزشی (دینی، هنری، علمی)، فعالیت دسته‌جمعی در امور خیریه و کمک‌رسانی، انجام مراسم مذهبی به‌صورت هفتگی یا ماهانه و فعالیت ورزشی است. با آنکه آگاهی از پیشنهادهاى مردم موجب انطباق بیشتر فضاها با نیازهای جدید فرهنگی و اجتماعی است، با این حال، هرگونه دخل و تصرف در فضا باید با نظارت و ارزیابی مستمر انجام شود.

#### ۷- نتیجه‌گیری

گفته شد که انسانها نیاز ذاتی به برقراری روابط اجتماعی دارند و ساختارهایی را در شهر برای برآورده ساختن این نیاز فراهم می‌آورند. عناصر اصلی ساختار کالبدی شهر را توده ساختمانی و فضا تشکیل می‌دهند. فضای شهری عنصری به‌جا مانده پس از ساخت و ساز بناها نیست، بلکه ساختاری سازمان‌یافته، آراسته و واجد نظم، برای فعالیتهای انسانی است. فضای شهری و روابط اجتماعی - فرهنگی جاری در آن با هم رابطه متقابل دارند و از هم تأثیر می‌پذیرند. انسانها از طریق روابط اجتماعی - فرهنگی به فضا شکل، عملکرد و اهمیت اجتماعی می‌بخشند و سازماندهی فضا به نوبه خود این روابط را مشروط می‌کند. بنابراین ساخت و طراحی فضاهای شهری بر روابط اجتماعی تأثیر می‌گذارد.

برنامه‌ریزان شهری قادرند به منظور تسهیل شکلهای خاصی از روابط اجتماعی - فرهنگی، «فضاهای کالبدی» را سازمان دهند و به نوبه خود فضاها را براساس استخراج معیارهای اجتماعی و فرهنگی طراحی کنند. آنها برای آگاهی و شناخت فضاهای شهری لازم است تا عناصر ثابت، نیمه‌ثابت و متحرک (یعنی مردم و فعالیتهای آنان) را با هم در نظر گیرند و در فضاهای شهری، چهار عامل فضا، زمان، معنا و ارتباط با به دقت سازماندهی کنند. اصول لازم برای طراحی فضاهای شهری عبارتند از: پیوستگی فضایی، محصور بودن فضا، مقیاس انسانی، تناسب در شکل و اندازه فضا، تباین فضایی، رابطه میان بناهای عمومی و یادمانها با فضای

شهری، خوانایی، ساخت و هویت، قابل تصور بودن، قابلیت دسترسی، تنوع، تناسب بصری با هدف و سرانجام ارزشهای اجتماعی - فرهنگی.

در بررسی شرایط فضاهای شهری در ایران، شهر بزرگ یزد به دلیل وجود اطلاعات مدون درباره فضاهای شهری آن انتخاب شد. مطالعه شرایط کلی این فضاها نشان می‌دهد که بها دادن به آمد و شد سریع وسایط نقلیه در مقابل عملکرد اجتماعی و فرهنگی، بسیاری از ویژگیهای با ارزش این فضاها را از بین برده و در ساخت فضاهای بخشهای نوساز شهر تأثیر گذاشته است. خصوصیات فضاهای شهری گذشته، تلاش طراحان و سازندگان در ارج نهادن به ابعاد اجتماعی و فرهنگی جامعه شهری را آشکار می‌سازد. در این فضاها بخشی از زندگی ساکنان محله‌ها جریان دارد، مردم نوعی پیوستگی و تعلق به فضا احساس می‌کنند، در آن اوقات خود را با همدیگر می‌گذرانند، فعالیت جمعی انجام می‌دهند، مسئولیت حفظ و نگهداری فضا را به عهده دارند و کودکان بخشی از مراحل جامعه‌پذیری خود را در آن سپری می‌کنند. اما در توسعه بیرونی شهر عملکرد فضا صرفاً تسریع آمد و شد سواره است و، در واقع، بازتابی از فرهنگ حاکم بر طراحی شهری است که با حذف فضاهای عمومی فعال، روابط اجتماعی را به فضاهای خصوصی محدود کرده است.

مطالعه موردی میدانهای سنتی نشان داد که آنها واجد این ویژگی‌ها هستند: (۱) فضاهایی از نظر هندسی مشخص، محصور و با بیان بصری روشن و خوانا، (۲) دارای ساختاری متناسب با شرایط اقلیمی، (۳) فضایی با مقیاس انسانی و ابعاد با تراکم انسانی، (۴) در مسیر خیابانهای اصلی با نقاط ورودی قابل دید و نمایان، (۵) هماهنگ با سایر کاربری‌های مرکز محله، (۶) یک کل به هم پیوسته، قابل تصور و در تباین فضایی با محیط اطراف، (۷) تداوم بخش شیوه معماری و طراحی شهری در ساخت فضایی محله، (۸) فضایی هدفمند و معنادار برای برقراری و تداوم روابط اجتماعی - فرهنگی.

این ویژگیهای فضایی سبب استمرار در استفاده از فضا با معنای خاص آن برای مردم شده و امکان برقراری روابط اجتماعی - فرهنگی در فضاها را به همراه داشته است. پیامدهای حاصل از روابط اجتماعی - فرهنگی در فضاها عبارتند از: (۱) ایجاد دوستی و صمیمیت، (۲) اتحاد و

همبستگی، ۳) حل مسائل یکدیگر، ۴) انتقال تجربیات و آموزشهای غیررسمی، ۵) خودگردانی براساس مشارکت مردمی، ۶) تقسیم مسئولیتها براساس تواناییهای افراد، ۷) فراهم آوردن امکانات برای عرضه تواناییهای مردم، ۸) حفظ امنیت محله، ۹) حفظ مفهوم محله، ۱۰) حفظ هویت فرهنگی.

این نوع از فعالیتهای و روابط اجتماعی جاری در فضا به صورت بخشی لاینفک از فضای شهری ادراک شده و بر میزان مطلوبیت فضا تأثیر گذاشته است. استفاده از فضا نشان می‌دهد که هنوز عنصری فعال و زنده است و از اهمیت اجتماعی برای مردم محله برخوردار است. وجود یک الگو برای ساخت این فضاها به نوبه خود مبین درجه‌ای از سازگاری میان سازمان فضایی کالبدی و سازمان فضایی اجتماعی است. بنابراین پیشنهاد می‌شود:

- مطالعات فضایی - اجتماعی - فرهنگی در برنامه‌ریزی شهری مورد توجه قرار گیرد.  
- فضای شهری نمودی از جامعه است، بنابراین طراحی آنها باید بیانگر شیوه خاص زندگی مردم باشد.

- برای خلق فضاهای شهری اجتماعی - فرهنگی میان طراحان و برنامه‌ریزان شهری از یک‌سو و جامعه‌شناسان و برنامه‌ریزان اجتماعی از سوی دیگر همکاری صورت گیرد.  
- احداث فضاهایی برای ملاقاتها و مشارکتهای اجتماعی از اهداف طراحی شهری قرار گیرد، تا میزان تبادلات اجتماعی و فرهنگی کمتر تحت تأثیر فضاهایی برای حرکت و توقف وسایط نقلیه واقع شود.

- ساختارهای مهم تاریخی و اجتماعی برای استمرار فرهنگی حفظ شوند و به جای تخریب آنها بر انسانی کردن و افزایش استفاده از آنها در شرایط امروز تأکید شود.

## منابع و مأخذ

### الف - فارسی

- افشار. ایرج (۱۳۵۴). *یادگارهای یزد*. ج ۱ و ۲. تهران: انجمن آثار ملی.
- بنه‌ولو. لئوناردو (۱۳۶۹). *تاریخ شهر، شهرهای اسلامی و اروپایی قرون وسطی*. ترجمه پروانه موحد. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- پیرنیا. محمدکریم (۱۳۴۸). *بازار ایران، مجله باستان‌شناسی و هنر ایران*. ش ۲.
- توسلی. محمود (۱۳۶۹). *اصول و روش‌های طراحی شهری و فضاهای مسکونی در ایران*. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات برنامه‌ریزی شهری.
- توسلی. محمود و بنیادی. ناصر (۱۳۷۱). *طراحی فضای شهری ۱*. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات برنامه‌ریزی شهری و معماری.
- لینچ. کوین (۱۳۵۰). *سیمای شهر*. ترجمه منوچهر مزیننی. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- مرتضوی. شهرناز (۱۳۶۷). *روان‌شناسی محیط*. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- موریس. جیمز (۱۳۶۸). *تاریخ شکل شهر تا انقلاب صنعتی*. ترجمه راضیه رضازاده. تهران: دانشگاه علم و صنعت.

### ب - انگلیسی

- Alexander. Christopher (1987). *A New Theory of Urban Design*. New York: Oxford University Press.
- Ardalan. Nader & Bakhtiar. Laleh (1974). *The Sense of Unity*. Chicago: University of Chicago Press.
- bacon. Edmond (1974). *Design of Cities*. New York: The Viking Press.
- Banz. George (1970). *Elements of Urban Form*. New York: Mc Graw-Hill.

- Castells. Manuel (1974). *The Urban Question*. Trans. Alan Sheridan. London: Edward Arnold.
- ..... (1984). "Space and Society". In Michael Smith. *Cities in Transformation*. London: Beverly Hills.
- Coser. Lewis (1975). *A Sociological Theory*. New York: McMillan.
- Gallion. Arthur. B. (1970). *The Urban Pattern: City Planning and Design*. New Jersey: Van Nostrand Reinhold.
- Giddens. Anthony (1990). *Sociology*. New York: Polity Press.
- Harplin. Lawrence (1972). *Cities*. Cambridge, Massachusetts. MIT Press.
- Krier. Rob (1979). *Urban Space*. London: Rizzoli.
- Lengerman. Patricia M. (1974). *Definitions of Sociology*. Ohio: A Bell & Howell Company.
- Lynch. Kevin (1968). "City Design and Appearance". In William Goodman. *The Principles and Practices of Urban Planning*. New York: International City Managers' Association.
- Mumford. Lewis (1963). *The Condition of Man*. New York: Harcourt Brace Javanovich.
- ..... (1966). *The City in History*. London: Pelican Books.
- ..... (1970). *The Culture of Cities*. New York: Harcourt Brace Javanovich.
- Pacione. Michael (1990). "Urban Livability". *Urban Geography*. Vol.11.
- Rapoport. Amos (1977). *Human Aspects of Urban Form*. New York: Pergamon Press.
- ..... (1984). Culture and the Urban Order. In John A. Agnew. John Mercer and David E. Sopher (eds.) *The City in cultural context*. Boston: Allen & Unwin.
- Smith. Peter F. (1977). *The Syntax of Cities*. London: Hutchinson.
- Spreiregen. P.D. (1965). *Urban Design: The Architecture of Towns and Cities*. New York: McGraw-Hill.
- Trancik. Roger (1986). *Finding Lost Space*. New York: Van Nostrand Reinhold.